

حقوق بشر

به کلامی همیشه وز نه کم



به قلم جواد علیزاده



Human Rights Activities in Iran
فعالان حقوق بشر در ایران

از سری انتشارات آموزشی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

به نام آزادی

□ این نوشته ی کوتاه بر آن است تا بحران های داخلی و تهدیدهای خارجی ناشی از فقدان حقوق بشر و دموکراسی در ایران را بصورت گذرا بررسی کرده و ضرورت پذیرش و تضمین حقوق بشر را به عنوان تنها راه حل اساسی این بحران ها تبیین نماید

آیا در عصر حاضر می توان ارتباط معنادار مستقیمی میان میزان رعایت و تضمین حقوق بشر و سطح امنیت و رفاه جوامع پیدا کرد؟ آیا اساساً نظام های غیردموکراتیک و ناقض حقوق بشر می توانند بقا را برای خود و امنیت و رفاه را برای مردم فراهم نمایند؟ آیا کشورهای دارای رفاه و امنیت بیشتر، حقوق بشر را بیشتر رعایت و تضمین می کنند؟ آیا کشور دارای سطح رفاه و ضریب امنیتی پایینی را می توان سراغ گرفت که رعایت و تضمین حقوق بشر در آن در سطح بالایی باشد؟ این نوشته کوتاه بر آن است تا بحران های داخلی و تهدیدهای خارجی ناشی از فقدان حقوق بشر و دموکراسی در ایران را بصورت گذرا بررسی کرده و ضرورت پذیرش و تضمین حقوق بشر را به عنوان تنها راه حل اساسی این بحران ها تبیین نماید. از این رو، تأمین امنیت، آسایش و رفاه برای افراد و اقوام ساکن در چارچوب مرزهای ایران (با توجه به این که پروسه ی دولت - ملت سازی در ایران طی نشده است) تنها در گرو بسط گفتمان حقوق بشری و پایبندی عملی همه ی افراد و گروه های قومی، مذهبی و سیاسی به

ملزومات و پیامدهای ذاتی آن می باشد. این امر در غیاب فرهنگ دموکراتیک و مداراگرایانه و نهادهای مدنی نهادینه شده، مستلزم بصیرت در نظر و شجاعت در عمل نخبگان (ابزاری و فکری) جامعه و اجماع آن ها است. نگارنده اعتقاد دارد اکنون هویت های قومی در ایران در برخی موارد به مرحله ی تعارض رسیده و در صورت عدم حل اساسی آن به اصلی ترین بحران در کشور تبدیل خواهد شد. لذا سعی دارد ضمن تشریح و تبیین عمده ترین بحران ها و تهدیدهای کشور، گفتمان مبتنی بر حقوق بشر را تنها گفتمان دارای ظرفیت حل اساسی این بحران ها معرفی نماید. همچنین، نگارنده بر اهمیت و حساسیت موضوع حقوق بشر و حقوق اقلیت ها در شرایط کنونی واقف بوده، و حل و فصل دموکراتیک منازعات قومی را یکی از پیش شرط های ایجاد ثبات سیاسی و توسعه ی همه جانبه ی کشور قلمداد کرده و امید دارد زمینه ی اصلاح این نوشته با نقد منصفانه ی صاحب نظران فراهم گردد. این نوشته در قالب دو بخش ارائه می شود:

بخش اول: حقوق بشر چیست و نسبت میان حقوق بشر و دموکراسی چگونه است؟

بخش دوم: وضعیت دموکراسی و حقوق بشر در ایران

بخش اول
حقوق بشر چیست و
نسبت میان حقوق
بشر و دموکراسی
چگونه است؟

"از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه ی اعضای خانواده ی بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد؛ از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته است و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است؛ از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد؛ ... مجمع عمومی این اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را آرمان مشترک برای تمام مردم و کلیه ی ملل اعلام می نماید..."

این اعلامیه در 30 ماده بر مهمترین حقوق انسانی تأکید دارد. بیست و یک ماده ی اول اعلامیه در اغلب موارد در باره ی موضوعاتی هستند که معمولاً "حقوق مدنی و سیاسی" نامیده می شوند و به آزادی فرد و امنیت شخصی او مربوط می گردند. مواد 22 تا 29 نیز در باره ی موضوعاتی هستند که "حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" نامیده می شوند که هدف شان برآورده ساختن نیازهای مادی و غیرمادی انسان است تا شکوفایی کامل استعدادهای بشر تضمین شود. فقط با شناسایی وابستگی متقابل و همه جانبه ی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی است که امکان استواری دموکراسی، ثبات و صلح فراهم می شود.

این اعلامیه برابری حیثیت و حقوق افراد بشر؛ حق زندگی؛ ممنوعیت شکنجه، مجازات یا رفتارهای ظالمانه و تحقیرآمیز؛ ممنوعیت توقیف یاجبس خودسرانه؛ اصل برائت؛ آزادی فکر وجدان و مذهب؛ آزادی

عقیده و بیان؛ حق تشکیل آزادانه ی مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز؛ حق تعیین سرنوشت؛ حق کار؛ حق تأمین اجتماعی و بسیاری از حقوق دیگر را برای تمام افراد بشر بدون هیچ گونه تمایز از حیث رنگ، نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت یا هر موقعیت دیگر به رسمیت شناخته است.

حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که افراد صرفاً به دلیل انسان بودن استحقاق برخوردارى از آن را دارند و از آنجا که انسان بودن در کل جهان مفهومی واحد است، حقوق انسانی افراد واحد است و هیچ گونه تبعیضی که این تساوی حقوق را خدشه دار نماید جایز نیست. حقوق بشر غیرقابل سلب و انتقال است، زیرا ذاتی و لازمه ی انسان بودن انسان است. با توجه به طبیعی بودن حقوق بشر، قوانین و معاهدات نه موجد آن بلکه تنها شناسایی کننده و موید آن می باشند. از این رو سلب این حقوق با هیچ بهانه یا توجیهی از قبیل قوانین داخلی، تفاوت های فرهنگی و تاریخی، عدم الحاق به معاهدات حقوق بشری یا خروج از این معاهدات جایز نیست. قبول امکان سلب یا واگذاری بخشی از این حقوق نیز انسان ها یا شهروندان "درجه ی یک" و "درجه ی دو" بوجود می آورد که با فلسفه ی حقوق بشر همساز نیست. اعمال هر گونه محدودیت بر حقوق بشر و آزادی های اساسی او فقط در صورتی قابل توجیه است که برای حمایت از حقوق مساوی و استقلال برابر دیگران اتخاذ شده باشد. اعمال این محدودیت ها فقط در شرایط فوق العاده امکان پذیر است که اسناد حقوق بشری تفصیل آن را مدنظر قرار داده اند.

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر الهام بخش همه ی اسناد حقوق بشری است. حقوق بشر، پویا است لذا در طول زمان بویژه سال های پس از صدور اعلامیه ی جهانی توسعه پیدا کرده و به موازات آن سازوکارهای نظارتی آن نیز توسعه یافته و کارآمدتر شده است. اگرچه حقوق بشر به طور طبیعی میل به "تقسیم ناپذیری" و "جهانی شدن" دارد و تجزیه ی آنها با ماهیت و غایت این حقوق منافات دارد اما به لحاظ توجه به سیر تاریخی تمرکز توجه به حقوق مختلف، دارای سه نسل یا مرحله است: حقوق مدنی و سیاسی؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی؛ و حقوق همبستگی (حقوق جمعی است شامل: حق توسعه، حق تعیین سرنوشت، حق صلح، و حق محیط زیست سالم) به ترتیب نسل های اول، دوم و سوم حقوق بشر به شمار می روند.

امروزه پذیرفته شده است که اختلافات ذاتی، سلسله مراتب یا اولییتی میان دسته های مختلف حقوق مختلف یا میان هر یک از حقوق یک دسته و حقوق دسته ی دیگر وجود ندارد. بنا بر این عذری برای نادیده گرفتن دسته ای از حقوق یا قربانی کردن حقوق مربوط به یک دسته در برابر حقوق مربوط به دسته ی دیگر وجود ندارد. به عبارت دیگر حقوق بشر (هم سطح و هم عمق آن) که وجدان جمعی بین المللی آن را در قالب معاهدات و کنوانسیون ها مشخص می کند تفکیک ناپذیر است.

بنابر این، حقوق بشر همه ی حقوق فردی، جمعی، جهانی و تفکیک ناپذیری است که در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و به شکل مشخص تر و گسترده تر در میثاق های آن و معاهدات مربوط به زمینه های خاص حقوق بشر (زنان، کودکان، ممنوعیت شکنجه و...) به رسمیت

شناخته شده و دولت جمهوری اسلامی در قبال آن ها متعهد می باشد زیرا امروزه، از یک سو، حقوق بشر به جایگاه "عرف بین المللی" ارتقاء یافته و نقض آن منجر به مسئولیت بین المللی ایران خواهد شد و از سوی دیگر، میثاق های اعلامیه ی جهانی به تصویب قوه ی مقننه ی ایران رسیده است از این رو، این میثاق ها جزو قوانین لازم الاتباع ملی محسوب شده و عدم رعایت و نقض آنها نیز موجبات مسئولیت بین المللی دولت ایران را در پی خواهد داشت.

دموکراسی نیز یک دستاورد انسانی مثل حقوق بشر است و همه می توانند و باید از آن استفاده کنند. مبنای دموکراسی آزادی عامه ی مردم در تعیین سرنوشت خودشان (حقوق بشر) است. دموکراسی از "باورها" بوجود می آید. تحمل و رعایت حقوق انسانی همدیگر که پیش نیاز دموکراسی محسوب می شود مستلزم باور قلبی، فلسفی و درونی است و این در طول زمان و با آموزش بوجود می آید. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران که احترام به حقوق انسانی همدیگر ضعیف است نهادینه کردن دموکراسی مستلزم راه اندازی نهضت حقوق بشری است. از آنجا که نهادهای مدنی در ایران وجود ندارد یا بسیار ضعیف هستند لذا برنامه ریزی و آموزش حقوق بشر بر عهده ی دولت می باشد.

دموکراسی و مراعات حقوق بشر به یکدیگر وابسته اند و همدیگر را متقابلاً تقویت می کنند. دموکراسی مبنایی است که بر اساس آن حقوق بشر به بهترین وجه حفظ می شود و سامانه ای سیاسی است که به بهترین وجه اعمال آزادانه ی حقوق فردی را اجازه می دهد. جدا کردن ارتقاء حقوق بشر از سامانه ی دموکراسی در جوامع ملی و بین

المللی ناممکن است. دموکراسی در همه ی سطوح و حوزه ها برای توسعه ی واقعی جنبه اساسی دارد. دموکراسی ملک خصوصی هیچ کس نیست. همه ی فرهنگ ها می توانند و باید آن را جذب کنند و برای آنکه با واقعیت های محلی به طور موثرتر انطباق یابد می تواند اشکال مختلف به خود بگیرد. دموکراسی هدفی است که می بایست همه ی مردم آن را بدست آورند. فقط نظام های دموکراتیک قابلیت اجرای حقوق بشر و تأمین صلح واقعی را دارند.

"وجدان جمعی" در مباحث حقوق بشر از جایگاه والایی برخوردار است. در واقع حقوق بشر مجموعه ای از ارزش ها و قواعدی است که وجدان جمعی جامعه آنها را لازمه ی شأن انسانی تلقی می کند و همه و در حله ی نخست دولت ملزم به رعایت آنها و همچنین ملزم به اتخاذ تدابیر لازم جهت رعایت آنها از طرف همگان است. اصولاً در نظام های دموکراتیک، نظام حکومتی و حقوقی نباید مشکلات متعدد و اساسی با حقوق بشر داشته باشد. چرا که در نظام های دموکراتیک، قانونگذار صرفاً "اراده ی مردم" را انشاء می کند. اما در جوامع غیردموکراتیک قوانین و مقررات ابزار پیشبرد منافع و خواسته های فرد، گروه یا طبقه ی حاکم است نه انشای اراده ی مردم، وجدان جمعی و افکار عمومی. وجدان جمعی فقط در جوامع دموکراتیک که در آن ها رسانه ها (مطبوعات، رادیو و تلویزیون و ...) ی آزاد وجود دارند امکان ایجاد و بروز پیدا می کند ولی در جوامع غیردموکراتیک گروه حاکم ایده و نظر خود را به عنوان وجدان جمعی در قالب قوانین و مقررات به جامعه و دیگران تحمیل کرده و هر گونه انتقاد از سیاست

های گروه حاکم را به بهانه هایی نظیر تشویش اذهان عمومی، تهدید علیه امنیت ملی و نقض قوانین سرکوب می کنند. تحقق مجموعه ی حقوق بشر برای تمام افراد متضمن چند شرط است: 1- کرامت انسان و حق تعیین سرنوشت او به رسمیت شناخته شود؛ 2- نظام حقوقی ای ایجاد شود که حقوق بشر در آن از جایگاه مناسب برخوردار باشد؛ 3- سازوکارهای لازم برای تضمین حقوق بشر ایجاد شود.

بخش دوم
وضعیت حقوق
بشر و دموکراسی
در ایران

در نظام های دموکراتیک، شهروندان در حوزه ی سیاسی و حقوقی برابرند. از نظر اخلاقی نیز دموکراسی بر اصل نسبیّت ارزش ها استوار است. نتیجه ی این نگرش انکار عینیت هر گونه حقیقت اخلاقی است، زیرا با اعتقاد به مفاهیم اخلاقی مطلق، سلطه ی سیاسی سنتی همچنان برقرار خواهد ماند و اصل درستی نظر اکثریت مردم (که ممکن است بر خلاف اصول اخلاقی قدیم باشد) مقبول نخواهد بود. برای دموکراسی معمولاً ویژگی هایی را قائل می شوند که مهمترین آنها عبارت است از:

- 1- مبتنی است بر آراء و افکار عمومی. صرف دموکراتیک بودن منشاء حاکمیت برای دموکراسی کافی نیست، بلکه مسئولیت در مقابل مردم باید مستمر باشد و حکومت دائماً منشاء دموکراتیک خود را تجدید کند،
- 2- افکار عمومی به شیوه ای آزاد و آشکار ابراز شود و شیوه های مناسبی برای ابراز آن همچون روزنامه های آزاد، انتخابات، حزب و مراجعه به آراء عمومی و غیره وجود داشته باشد،
- 3- در مورد مسائل مورد اختلاف در نزد افکار عمومی باید افکار اکثریت عددی را در نظر گرفت و برای تأمین نظر اکثریت باید حق رأی و مشارکت سیاسی را به همه ی گروه ها و اقلیت ها بسط داد،
- 4- حکومت دموکراسی در فضایی عمل می کند که سرشار از نهادها و انجمن های مستقل و خودجوش و متعددی باشد که

در مقابل خودکامگی احتمالی حکام از حقوق و آزادی های افراد و انجمن ها پشتیبانی کنند،

5- حکومت دموکراسی مستلزم کثرت گرایی اجتماعی است، یعنی این واقعیت که هر جامعه ای مرکب از منافع و علایق و ارزش های گوناگونی است که باید در نظر گرفته شود،

6- دموکراسی مستلزم نسبی گرایی ارزشی و اخلاقی است و بنا بر این هیچ گروهی حق ندارد در جایگاه حکومت، هیچ فلسفه یا ایدئولوژی خاصی را بر گروه های دیگر تحمیل کند،

7- شرط عمل رضایت نهادهای دموکراتیک رعایت آزادی های اساسی از جمله آزادی بیان، انجمن و قلم است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه صورت از مشروعیت سیاسی کاربزمایی، سنتی و قانونی را با هم ترکیب کرده است. در ساختار پیچیده ی قانون اساسی با توجه به محوریت رهبری و نهاد ولایت فقیه و نقش مرکزی روحانیت در شورای نگهبان و مجلس خبرگان و قوه قضائیه و نیز با توجه به نقش رهبری و شورای نگهبان در تأیید و تنفیذ رئیس جمهوری رویهم رفته حاکمیت ملی به صورت غیرمستقیم اعمال می شود و از همین رو موانعی جدی برای اعمال حاکمیت به شیوه های دموکراتیک وجود دارد. در قانون اساسی تلاش شده است به مطالبات تاریخی طبقه ی روحانیت از طریق اختصاص مناسب و امتیازات عمده به روحانیت در ساختار قدرت پاسخ داده شود. این "پاداش ها" البته در حدود امکان و ظرفیت دولت های مدرن برای طبقه ی روحانیون تأمین شده است. در واقع، ابتدا نظریه

ی ولایت فقیه قدرت بلا منازع طبقه ی روحانیت را ساماندهی تئوریک کرده و سپس قانون اساسی به آن شکل رسمی و حقوقی بخشیده است. با این حال، آنچه در طول عمر جمهوری اسلامی در حال وقوع بوده است گذر از دولت ایدئولوژیک سال های اولیه ی انقلاب نخست به نوعی دموکراسی صوری و سپس به نوعی شبه دموکراسی و مجدداً در سال های اخیر حرکت در جهت دولت ایدئولوژیک بوده است. منظور از دموکراسی صوری یا نمایشی، نوعی نظام الیگارشسی است که دارای برخی نهادهای دموکراتیک صوری و نمایشی نیز می باشد. در نظام های الیگارشسی، گروه کوچکی از افراد صاحب امتیاز اهرم های اصلی قدرت را در تصرف دارند.

در پاراگراف اول مقدمه ی قانون اساسی "اصول و ضوابط اسلامی" به عنوان اساس قانون اساسی دانسته شده است. اصل چهارم قانون اساسی نیز تأکید می کند که کلیه ی قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل در حالی شورای نگهبان را مرجع تشخیص عدم مغایرت قوانین و مقررات با موازین اسلامی دانسته که موازین اسلامی را تعریف و مصادیق آن را مشخص نکرده است. از طرفی شناسایی و اعمال برخی از حقوق بشری و شهروندی (آنهم به شکلی تبعیض آمیز) که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان "حقوق ملت" از آن نام برده شده است در موارد مختلف مشروط به عدم مغایرت با موازین اسلامی یا مبانی اسلام یا احکام اسلام (تعریف دقیق این مفاهیم و وجوه اختلاف آن ها مشخص نشده است) دانسته شده است. لذا برخورداری شهروندان از حقوق انسانی در گرو تأیید (البته بدون ضابطه ی مشخص و تعریف شده) چهار تن از شش

تن از فقهای انتصابی از سوی مقام رهبری می باشد. جمهوری اسلامی ایران سعی می کند نقض سیستماتیک و مداوم حقوق بشر را با استناد به همین اصل و قید (مغایرت حقوق بشر با شرع) توجیه نماید. شورای نگهبان علاوه بر آن که مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام است (اصل نود و ششم) بر اساس اصل نود و هشتم عهده دار تفسیر قانون اساسی نیز می باشد. همچنین شورای نگهبان با تفسیر موسع و غیرحقوقی از وظایف خود در اصل نود و نهم و اعمال نظارت استصوابی بر انتخابات صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب و دارای قرائت دموکراتیک تر از قانون اساسی را به بهانه هایی نظیر: "عدم التزام به اسلام" و "عدم اعتقاد قلبی به ولایت مطلقه ی فقیه" رد می کند (محرومیت از حق انتخاب شدن). این در حالی است که علیرغم قانون اساسی (اصل هفتاد و دوم) و اصل تفکیک قوا صلاحیت قانونگذاری نیز به قوه ی مقننه منحصر نمی باشد و نهادهایی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام (اعضای آن منصوب مقام رهبری می باشند) و شورای عالی انقلاب فرهنگی (این نهاد در قانون اساسی پیش بینی نشده است و اعضای آن توسط مقام رهبری منصوب می شوند) نیز مبادرت به امر قانونگذاری می کنند و شورای نگهبان نیز هیچ گونه نظارتی بر این گونه قوانین ندارد. لذا هیچ مرجعی وجود ندارد تا مطابقت یا عدم مطابقت این قوانین را با قانون اساسی بررسی نماید. نظام جمهوری اسلامی اساساً الیگارشیک (مبتنی بر فقیه سالاری) و فاقد ویژگی های دموکراسی است، زیرا در آن:

1- منشأ حاکمیت دموکراتیک نیست؛

حقوق بشر نه کلامی بیش و نه کم

2- امکان ابراز افکار عمومی به شیوه ای آزاد و آشکار وجود ندارد؛
3- امکان مشارکت سیاسی برای همه ی گروه ها و اقلیت ها فراهم نیست؛

4- نهادها و انجمن های مستقل جهت حمایت از حقوق و آزادی های افراد و انجمن ها وجود ندارد؛

5- بسیاری از منافع و علایق و ارزش ها نادیده گرفته می شوند؛
6- ارزش ها و اخلاقیات مطلق بوده و ایدئولوژی خاصی بر جامعه حاکم است؛

7- آزادی های اساسی از جمله آزادی بیان و انجمن و قلم رعایت نمی شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حقوق بشر از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. برخی از موارد نقض حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی عبارت است از:

1- تبعیض جنسی و مذهبی

اصل نوزدهم قانون اساسی حقوق مساوی افراد را فقط از نظر رنگ، نژاد و زبان به رسمیت شناخته و برابری جنسی و مذهبی را صراحتاً تأیید نکرده است. مطابق قانون اساسی شرط احراز برخی از مشاغل مانند رهبری و ریاست جمهوری مسلمان شیعه و مرد بودن است.

2- مشروط کردن برخورداری افراد از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رعایت موازین اسلامی. لذا اعضای شورای نگهبان (4 نفر از 6 نفر فقیه) با برداشتی خاص از اسلام می توانند افراد ملت را از حقوق انسانی مانند آزادی بیان محروم نمایند.

در قانون اساسی بیان مطالب در نشریات و مطبوعات (اصل بیست و چهارم)، تأسیس و شرکت در احزاب و انجمن ها (اصل بیست و ششم)، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها (اصل بیست و هفتم) در صورتی آزاد است که مخل به مبانی اسلام نباشد.

مشکلات نظام جمهوری اسلامی با حقوق بشر به عدم شناسایی برخی از حقوق و آزادی ها (مانند آزادی مذهب) یا شناسایی ناقص و تبعیض آمیز برخی از حقوق و آزادی ها (برابری حقوقی و سیاسی افراد) محدود نمی باشد. بخشی از موارد نقض حقوق بشر در ایران ناشی از:

- 1- تفسیر خاص شورای نگهبان از قانون اساسی و شرع مانند تأیید شکنجه با استناد به اصل دفع افسد به فاسد که مخالف اصل سی و هشتم قانون اساسی مبنی بر ممنوعیت هرگونه شکنجه می باشد،
- 2- قوانین عادی مانند قانون انتخابات و قانون مطبوعات،
- 3- عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی مانند اصل سی و هفتم مبنی بر اصل بر اصل بر براءت بودن یا اصل سی و نهم مبنی بر ممنوع و موجب مجازات بودن هتک حرمت و حیثیت افراد به دلیل عدم استقلال واقعی قوه قضائیه می باشد.

در مجموع می توان گفت که قانون اساسی و قوانین عادی و نهادهای ناشی از قانون اساسی ظرفیت رعایت و تضمین حقوق بشر را ندارد. بررسی همه ی موارد نقض حقوق بشر در ایران بحث مفصلی را می طلبد که در این نوشته ی کوتاه نمی گنجد (برای مطالعه ی بیشتر در این زمینه می توان به گزارش ها و قطعنامه های نهادهای بین المللی مانند کمیته ی حقوق بشر سازمان ملل متحد، عفو بین الملل، دیده بان

حقوق بشر و غیره و بیانیه ها و گزارش های نهادهای داخلی مانند انجمن روزنامه نگاران و کمیته ی دفاع از زندانیان سیاسی و غیره مراجعه کرد).

کلام آخر:

نگارنده، همانگونه که از عنوان این نوشته بر می آید، تنها راه نجات کشور و مردم ایران را پیوستن همه ی افراد، اقوام و گروه های مذهبی و سیاسی و نهادهای مدنی به نهضت حقوق بشری می داند. نهضتی که غیر خشونت آمیز و مبتنی بر مفاد اعلامیه ی جهانی حقوق بشر بوده و آرمان آن صلح، آزادی، برابری و عدالت برای همه است. بی شک راه اندازی این نهضت و مدیریت آن بر عهده ی نخبگان خواهد بود. کافی است نخبگان جامعه روی حقوق بشر (هم سطح و هم عمق آن و بدون تبعیض) اجماع نمایند و...

جواد علی زاده / دانشجوی حقوق بشر

دانشگاه علامه طباطبائی

□ عضو واحد تحقیق و آموزش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

آخرین ویرایش

تهران - 1387



مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

□ واحد تحقیق و آموزش

□ واحد انتشارات

HUMAN RIGHTS ACTIVITES IN IRAN

<http://www.hra-iran.org>

<https://www.hra-iran.org>

<http://www.hrairan.com>

TEL : +98 21 82185438

TEL : +98 21 82185473

TEL : +1 310 5983634

TEL : +1 818 8244779

P.O.BOX : Tehran / 138-33455

EMAIL : info@hra-iran.com